

بقلم آقای ارسلان خلعت‌بری
و کیل دادگستری

مسئله حزب در ایران

-۱-

برای اینکه خوب بتوان بطلل پایدار نماندن احزاب در ایران پی برد باید دوره‌های مختلف زندگی سیاسی حکومت مشروطه ایران را در نظر بگیریم و بعقیده نویسنده اگر آنرا سه دوره تقسیم نمائیم بی مناسبت نیست. اول - از زمان فتح تهران در سال ۱۳۲۷ قمری و خلغ محمد علیشاه تا کودتای اسفند ۱۲۹۹ شمسی ۰ دوم - از کودتای اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ روز استعفای رضا شاه از سلطنت ایران. سوم - از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به بعد .

اول - از سال ۱۳۲۷ قمری تا کودتا

احزاب اعتدال
و
دموکرات

تا آنجا که از اشخاص مطلع شنیده و از روزنامه های آن ایام استفاده میشود بعد از خلغ محمد علیشاه و شروع مجلس شورای ملی بکار دو حزب قوی بوجود آمد

یکی دموکرات و دیگر اعتدالی این دو حزب در مجلس کرسی های زیاد و هر یک نیز در خارج از مجلس طرفدارانی داشتند حزب دموکرات افکار اصلاح طلبانه داشت ولی چون آن افکار در آنروز با مزاج عده مخصوصا طبقه اعیان و اشراف و روحانیون که مزایای خاصی در اثر سالها سلطه و نفوذ بدست آورده بودند نمیساخت بنظر آنها افراطی و تند بنظر میآمد این بود که آنها و عده هم که رویه دموکرات ها را باوضع مملکت مناسب نمیدانستند و اعتدال را بر مثنی سیاسی دموکرات ها ترجیح میدادند حزب اعتدالی را بوجود آوردند در هر یک از دو حزب اشخاص معروف و وطن خواهی شرکت داشتند و هر دو حزب هم قوی به شمار میرفت .

علت اینکه این دو حزب قوت گرفتند و پیروانی یافتند این بود که آنها مرامی اتخاذ نموده بودند که قابل وفق با عقائد و افکار و آرزو های عده زیادی بنظر میآمد مثلا دموکرات ها رویه روشنی داشتند آنها علنا میخواستند امتیازاتی را که سالها در دست اشراف بوده پس بگیرند راجع با استفاده از زمین طرق مفید تری اتخاذ شود معارف و علوم عمریت باید روحانیت از

سیاست جدا باشد این افکار طرفدارانی در آنروز داشت زیرا آرزوهای اصلاح طلبان را بر میآورد این بود اشخاصیکه با این افکار موافق بودند با آنکه خود از اعیان و اشراف محسوب میشدند باین حزب ملحق میشدند در میان اعتدالی ها هم اشخاصی بودند که از آزادیخواهان معروف بشمار میآمدند مثل آقای میر محمد صادق طباطبائی رئیس فعلی مجلس شورای ملی.

علت دیگر موفقیت این دو حزب این بود که بعد از افتتاح مجلس از این دو حزب در مجلس عده زیادی نماینده پدید آمد عده به دموکرات ها و عده به اعتدالی ها در مجلس پیوستند و در مجلس این دو حزب هسته مرکزی خود را تشکیل دادند اگر این دو حزب در مجلس عده زیادی نماینده نداشتند شاید سالها لازم بود تا بتواند تشکیلات خود را بآن صورت در آورند ولی چون عده زیادی در مجلس نماینده داشتند توانستند بمثل یک حزب سیاسی عرض اندام و جلب توجه و تبلیغ مرام خود را نمایند و از مردم دعوت کنند و چون مردم هم میدانستند با داشتن عضو در مجلس نقطه اتکا خواهند داشت این بود که به حزب می پیوستند.

برای تشکیل یک حزبی سالها وقت لازم است که اشخاص زیادی یکدیگر را بشناسند بافکار و عقاید همدیگر آشنا شوند محافل تشکیل و کنفرانس ها بدهند و سپس در موقع انتخابات تشریک مساعی کنند تا شاید بتوانند چند نفری در مجلس بعنوان نماینده داشته باشند و احتمال هم میرود با طی تمام این مراتب باز موفق بانتخاب نماینده از خود نگردند اما وقتی در مجلس عده یکدیگر را جستجو کردند و بافکار و عقاید همدیگر بی بردند و افکار خود را با هم وفق و تشکیل جمعیتی دادند و هسته مرکزی حزب بزرگی شدند بزودی موافقین و همفکر های آنها بسوی آنها خواهند رفت و آنوقت است که حزبی بوجود میآید که متکی به مجلس است و دولت ناچار است بافکار آن حزب احترام بگذارد. اگر بنظر انصاف نگاه کنیم و کلا دوره دوم و سوم مجلس چند حزب قوی بوجود آوردند و کاری را که سالها وقت و زحمت لازم داشت در مدت کوتاهی انجام دادند و نمونه ایمان و شجاعت و وطن پرستی و فداکاری آنها هم عملی است که در مقابل اولیتمانوم دولت تزاری نمودند یعنی آنها را با تمام خطر هائی که برای آنها داشت رد کردند و از جان خود گذشتند تا لکی بدامن استقلال ایران نگذارند و هر کس باعمال دوره سیزدهم و چهاردهم مجلس نظری عمیق اندازد خواهد دید بین این و آن فرق از زمین تا آسمان است.

ما برای شاهد همان حزب دموکرات در این مقاله مثل

میآوریم حزب دموکرات و احزاب دیگری که خواهان

استقلال ایرانی بودند و افکار اصلاح طلبی داشتند بامر

سیاست خارجی نمیتوانستند سازش کنند آن روز نظر

آزادیخواهان این بود که چون درباره ایران خیالات استعماری

علل پایدار نماندن

احزاب

در میان است لذا خارجی‌ها با اصلاحات اساسی در مملکت مغالفت‌اند زیرا اصلاحات اساسی مملکت را از فقر و از زیر بار احتیاج اجنبی بیرون می‌آورد در صورتیکه اجانب فقر و احتیاج خزانه ایران را از وسائل استعمار میدانستند. بنا بر این تردیدی نبود که سیاست خارجی همیشه تمایل داشت مراکز اصلاح طلبی را خاموش کند و بین آزادیخواهان که آنروز حزب دموکرات یکی از مظاهر برجسته آن بود و سیاست خارجی در ظاهر و باطن خصومت بود. اما هر قدر سیاست خشن خارجی با اعمالی زننده و جابرانه میخواست این مراکز را خاموش کند برعکس آتش احساسات در قلوب آزادیخواهان بیشتر شعله‌ور میشد.

در این مقاله گنجایش نیست که تاثیر سیاست خارجی را درباره احزاب ایران بنویسیم اما باید گفت رویه‌ی را که قشون‌های اجنبی در موقع جنگ بین الملل با دموکرات‌ها و آزادیخواهان اتخاذ نموده بودند که منجر به جس و قتل و تبعید و در بدری و فرار عده زیادی از آنها گردید و در تاریخ محفوظ است باید از عوامل مهم پراکنده ساختن تشکیلات احزاب ایران دانست. یکی از این موضوعات مهاجرت است که در زمان جنگ بین الملل بعمل آمد و زبده دموکرات‌ها بقصد مهاجرت تهران را ترک و مدتی در ولایات بمبارزه پرداخته و بعد از ایران خارج شدند. ولی باز این مهاجرت هم حزب دموکرات را اگر ضعیف کرد متلاشی نمود زیرا آن‌هده که در ایران باقی مانده بودند هنوز فعالیت داشتند و ثابت میگردند ملت ایران یک ملت زنده ایست که با تسلط اجنبی از میان نیرود.

خلاصه این است که سیاست خارجی چه قبل از جنگ بین الملل و چه در زمان آن و چه بعد از آن تاثیر کلی در پراکنده کردن احزاب ایران داشته است. بعد از خاتمه یافتن جنگ بین الملل که موقع بود آزادیخواهان ایران و احزاب سابق دوباره تشکیلات خود را بدهند و از آزادی که صلح برای ملل کوچک بدید آورده بود بهره برند بدبختانه ایران باز دچار سیاست خارجی گردید و این مرتبه موضوع قرارداد کابینه و نوق الدوله با انگلستان پیش آمد. حکومت با تمام قوا سعی داشت این قرارداد را ببات ایران تحویل کند و ملت ایران زیر بار آن نیرفت و اگر ما بخواهیم ضرری را که از این حیث در آن زمان بواسطه استفاده نکردن از وضع سیاست خارجی بما وارد آمده شرح بدهیم بحث آن مفصل و محتاج بمقالات متعددی است ولی این را باید بگوئیم که کابینه و نوق الدوله برای اینکه در فکر خود موفق شود علاوه از طرق دیگر از دو طریق هم ناچار بود اقدام نماید یکی پراکنده ساختن احزاب و دیگری تحویل عده بنام وکیل مجلس تا آن اشخاص با قرارداد در مجلس موافقت نمایند.

کابینه و نوق الدوله با اتخاذ رویه جس و تبعید و سخت گیری نسبت به آزادیخواهان و ایجاد یک نوع حکومت دیکتاتوری میخواست در این مقصود

موفق شود و در بسیاری از جاها بایرداشتن موانع توانست منظور خود را انجام دهد اما در جاهائی با مقاومت شدید آزادیخواهان روبرو گردید.

از آن جمله در تهران برای انتخابات دوره چهارم مجلس و خلاصه مطلب از این قرار است که چون اغلب دموکرات‌ها از ایران مهاجرت کرده بودند و حکومت توانست یک عده از دموکرات‌هائی را که در تهران باقیمانده بودند با خود همراه کند و انتخاب تهران را آن عده ببرند ولی موقع انتخابات یک عده از دموکرات‌های سابق که با حکومت و قرارداد موافق نبودند مجدداً باهم جمع شد و مبارزه انتخاباتی را شروع نمودند و همین عده‌اند که در آن موقع به ضد تشکیلیون معرفی شده بودند این دسته که از باقیمانده گان واقعی حزب دموکرات بودند باتمام قوا در انتخابات مبارزه نموده و توانستند مخالفین را شکست بدهند و بالنتیجه از دوازده کرسی تهران هشت کرسی را برای کاندیداهای خود بردند و ثابت کردند که در مقابل عزم و اراده و جدیت مینوانم سیاست خارجی و هم سیاست داخلی را شکست داد.

اما چون هنوز اوضاع بحال عادی برنگشته و عده دموکرات‌ها در مهاجرت بودند و ادامه حزب اشکال داشت تا برگشتن مهاجرین و اعاده اوضاع بصورت عادی تصمیم گرفته شد که تشکیلات حزبی موقوف بماند و از آن زمان حزب دموکرات دیگر در واقع بعنوان حزب دارای تشکیلات وجود نداشته خلاصه اینکه در ایران در مدت کمی حزب قوی بوجود آمد ولی بواسطه موانع خارجی و داخلی «که بیشتر معلول وقایع و سیاست خارجی بود» ازین رفت و او گریکوئیم حتماً لازم است سالها بگذرد یک نسل جدیدی با روحیه و تربیت جدیدی بوجود آید احزاب قوی تشکیل بدهد و این فکر اصولاً صحیح است اما مانع نیست که در مدت کوتاهی احزاب قوی تشکیل شود همانطوریکه تاریخ گذشته نشان داد که میشود در مدت کوتاهی حزب قوی تشکیل داد.

(بقیه دارد)

چهار چیز نیرزد بچهار دیگر

چهار چیز که اصل فراغت است و منال

نیرزد آن بچهار دیگر در آخر کار :

کنه بشرم ملامت ، عمل بخیالت غزل (۱)

بقا بلمتی موک و طمع بفل ستموال

اثیر الدین اومانی

(۱) عیل یعنی نوکری دیوان .